فصلنامه علمي اقتصاد و بانکداري اسلامي، شماره پنجاه و دوم، پاییز ۱۴۰۴- صفحات ۱۷۸-۱۴۹

تأثیر ویژگی‌های مدیرعامل اجرایی و کمیته حسابرسی بر عملکرد مالی بانک

نوع مقاله: پژوهشی

غزاله عابدینی[۱]
رویا دارابی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱/۲۶

چکیده

هدف این پژوهش تأثیر ویژگی‌های مدیرعامل اجرایی و کمیته حسابرسی بر عملکرد مالی بانک بوده است. جامعه آماری موردمطالعه در این پژوهش، بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۲ می‌باشند. نمونه آماری بر اساس روش غربالگری انجام‌شده است. در نهایت ۱۶ بانک به‌عنوان نمونه انتخاب شد. پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی- همبستگی، بر اساس ماهیت داده‌ها، از نوع پژوهش کمی و بر اساس اهداف نیز از نوع پژوهش کاربردی به‌حساب می‌آید. نتایج این پژوهش که مبتنی بر آزمون فرضیه‌های پژوهشی بود نشان داد که، ویژگی‌های مدیرعامل نقش کلیدی در عملکرد مالی بانک‌ها ایفا می‌کنند. تحلیل‌ها نشان دادند که بین جنسیت مدیرعامل و عملکرد مالی بانک رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، بین سطح تحصیلات مدیرعامل و عملکرد مالی بانک رابطه معناداری وجود دارد. بین تجربه مدیرعامل و عملکرد مالی بانک رابطه معناداری وجود دارد. بین افزایش دوره تصدی مدیرعامل، مالکیت مدیرعامل و عملکرد مالی بانک رابطه معناداری وجود ندارد. از سوی دیگر، کمیته حسابرسی نیز به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده، بر رابطه میان ویژگی‌های مدیرعامل و عملکرد مالی بانک تأثیرگذار است. این یافته حاکی از آن است که کمیته حسابرسی می‌تواند نقش حاکمیتی مؤثری در تقویت یا تضعیف تأثیر ویژگی‌های مدیرعامل بر عملکرد بانک ایفا کند. یافته‌های پژوهش می‌توانند برای سیاست‌گذاران و مدیران بانک‌ها در انتخاب و ارزیابی مدیران عامل و نیز بهبود نظام حسابرسی در راستای افزایش بهره‌وری مالی بانک‌ها، کاربرد داشته باشند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی متغیرهای دیگری نظیر عوامل محیطی و اقتصادی نیز موردبررسی قرار گیرند.

واژگان کلیدی: جنسیت مدیرعامل، سطح تحصیلات مدیرعامل، تجربه مدیرعامل، دوره تصدی مدیرعامل، مالکیت مدیرعامل، عملکرد مالی بانک، کمیته حسابرسی.
طبقه‌بندی JEL : G34, M41, G21, J16

---

[۱] دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده اقتصاد و حسابداري، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ghazalehzeinab.abedini@yahoo.com
[۲] گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
royadarabi@iau.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

مقدمه

با ظهور شرکت‌هاي بزرگ و شکل‌گيري مبحث عظیم جدایی مالکیت از مدیریت و ایجاد یک تضاد منافع عظیم بین مالکان و مدیران، ارزیابی عملکرد مالی بانک‌ها و مدیران و رهبران آن‌ها از موضوعات موردتوجه اقشار مختلف مثل اعتباردهندگان، مالکان دولت و حتی مدیران است. ازنظر سهامداران نیز میزان افزایش ثروت چه از طریق افزایش قیمت و ارزش شرکت و چه از طریق سود نقدي حائز اهمیت است. این ارزیابی‌ها ازنظر مدیران به لحاظ ارزیابی عملکرد خودشان و سایر بخش‌ها و نیز میزان پاداش صحیحی که به آن‌ها پرداخت می‌شود و حق مسلم آن‌ها است، اهمیت اساسی دارد. ازنظر دولت‌ها این ارزیابی‌ها براي رسیدن به سه هدف تخصیص بهینه منابع به‌عنوان هدف اصلی، توزیع عادلانه درآمد و تثبیت شرایط اقتصادي با مشارکت در فعالیت‌هاي اقتصادي حائز اهمیت است.

مدیران اجرایی شرکت به‌ویژه مدیرعامل نقش اساسی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک شرکت بازي می‌کنند. در دهه‌هاي گذشته، مسئولیت‌هاي مدیران عامل به‌طور قابل‌توجهی افزایش‌یافته است و همین موضوع منجر به افزایش پاداش آن‌ها شده است. مدیرعامل داراي نقشی اساسی در سازمان و عملیات بوده و به‌عنوان رابط بین مدیران ارشد و اعضاي هیئت‌مدیره تلقی می‌گردد. مدیرعامل علی‌رغم احتیاط بالاي کمیته‌ها، داراي نقشی کلیدي در انتخاب و استخدام مدیران می‌باشد. مدیرعامل می‌تواند به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به‌وسیله اعضاي موظف بر هیئت‌مدیره اثرگذار بوده تا ارزیابی عملکرد خود را متأثر سازد. مدیران عامل نه‌تنها قدرت مطلق در تصمیم‌گیری عملیات شرکت را دارند بلکه قدرت قابل‌توجه و تأثیرگذار در تصمیمات استراتژیک شرکت را دارند. بنابراین مدیران بالا بخصوص مدیران عامل در سطوح بالاي ساختار سازمانی ایستاده‌اند، که قدرت تصمیم‌گیری آنان به‌وضوح اثرات قابل‌توجهی در عملیات شرکت را دارد. در نتیجه ظهور مفهوم حاکمیت شرکتی در دهه‌هاي گذشته، در حال حاضر مدیران عامل باید در فرآیند تصمیم‌گیري شرکت به‌ویژه تصمیم‌گیري درباره مسائل مالی مشارکت داشته باشند (بوال و هویچبرگ، ۲۰۱۸).

عملکرد شرکت یک موضوع محبوب است که موضوع پژوهش‌های زیادی بوده است. یکی از نگرانی‌های مهم سرمایه‌گذاران، عملکرد مالی بانک است که تحت تأثیر چندین متغیر است. با توجه به اهمیت مدیرعامل اجرایی در فرآیند تصمیم‌گیری استراتژیک شرکت، ویژگی‌های مدیرعامل به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین متغیرهای تأثیرگذار بر عملکرد مالی بانک در نظر گرفته می‌شود.

طبق گفته فلک و همکاران[1] (۲۰۲۰)، مدیر اجرایی به‌عنوان تأثیرگذارترین و قدرتمندترین فرد در هر سازمان در نظر گرفته می‌شود. یکی از مطالعات قبلی نشان داده است که مدیرعامل می‌تواند با تغییر در انتخاب سایر اعضاء، درصورتی‌که مالک بخش قابل‌توجهی از شرکت باشد، بر هیئت‌مدیره تسلط داشته باشد. مدیرعامل علاوه بر کنترل اکثر اعضای

[1] Falak et al.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

هیئت‌مدیره، ممکن است بر حفظ و پاداش اعضای هیئت‌مدیره نیز تأثیر بگذارد (گارسیا گومز و همکاران[1]، ۲۰۲۳).

علاوه بر این، توسعه حاکمیت شرکتی در دهه‌های اخیر، مدیران عامل را موظف کرده است که در تصمیم‌گیری در داخل سازمان، به‌ویژه زمانی که صحبت از مسائل مالی می‌شود، شرکت کنند (نسیم و همکاران[2]، ۲۰۲۰).

بنابراین، مدیرعامل یک عضو سازمانی مهم در شرکت‌های در حال رشد محسوب می‌شود. قدرت مدیرعامل معمولاً ناشی از نفوذ مشروع آن‌ها در شرکت و همچنین آگاهی زیاد آن‌ها از شرکت‌هایی که در آن کار می‌کنند می‌باشد. طبق فرضیه رده‌های بالاتر، سن، جنسیت و پیشرفت تحصیلی یک مدیرعامل هنگام قضاوت‌های سخت مانند انتخاب‌های استراتژیک به‌طور فزاینده‌ای حائز اهمیت می‌شود (پلاکینگر و همکاران[3]، ۲۰۱۶). نظریه‌های پیشین نشان داده‌اند که ویژگی‌های متنوع مدیران بر انتخاب ساختار و تاکتیک‌های سازمان تأثیر می‌گذارد، بنابراین بر موفقیت شرکت تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، بر اساس این ایده، مدیرانی که دارای عقلانیت هستند بهتر می‌توانند بر اساس ظرفیت‌های شناختی و همچنین ویژگی‌های اجتماعی و بیولوژیکی خود تصمیم‌گیری کنند (کائور و سینگ[4]، ۲۰۱۹).

علاوه بر این، تئوری نمایندگی بیان می‌کند که اگرچه گاهی اوقات تلاش‌های مدیریت ممکن است از منافع ذینفعان، به‌ویژه در مورد مالکیت غیرمتمرکز، متفاوت باشد، اما برخی از مدیران سعی می‌کنند کار را به‌خوبی انجام دهند و بهترین نمایندگان ذینفعان شرکت باشند. تئوری نمایندگی همچنین تأکید می‌کند که حاکمیت شرکتی برای توانمندی یک کسب‌وکار در تصمیم‌گیری بسیار مهم است. مطالعات بیان می‌کنند که مدیران اغلب در هنگام انتخاب به نفع خود عمل می‌کنند. برای مثال، مدیران ممکن است لزوماً طرفدار پذیرش جایگزین‌های بدهی که ارزش ذینفعان را به حداکثر می‌رساند، نباشند. در عوض، آن‌ها ممکن است طرفدار محدود کردن میزان بدهی خود برای پیشبرد اهداف خود باشند. هزینه‌های نمایندگی ناشی از این امر است که، به‌نوبه خود باعث عملکرد پایین‌تر کسب‌وکار می‌شود (سادا، گانسان و احمد[5]، ۲۰۲۳).

به همین دلیل، بسیاری از کسب‌وکارها با پذیرش قوانین مربوط به حاکمیت شرکتی با هدف افزایش افشای اطلاعات، سیاست‌ها و رویه‌های شرکت واکنش نشان دادند. این امر به‌منظور جلوگیری از اشتباهاتی انجام شد که اعتماد ذینفعان را به قابلیت اطمینان و صداقت گزارش‌های مالی تضعیف می‌کرد. در نتیجه، هر کشوری به‌طور مداوم تلاش کرده است تا

[1] Garsia gomz et al.
[2] Nasim et al.
[3] Pelakinger et al.
[4] Kaour,sing
[5] Sada,gansan

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

سیاست‌ها، استانداردها، رویه‌ها و فرآیندهای حاکمیت شرکتی خود را ارتقا دهد (الاحدال و هاشم[1]، ۲۰۲۲).

با توجه به پژوهش‌ها[2] (۲۰۲۲) کمیته حسابرسی امکان استفاده مؤثر از این ابزارها را برای حاکمیت شرکتی فراهم می‌کند. طبق گفته کالیتا و تیواری (۲۰۲۳) و نصیر و همکاران[3] (۲۰۱۱)، مسئولیت اصلی کمیته حسابرسی این است که روی شیوه‌های گزارشگری مالی نظارت داشته باشد و اطمینان حاصل کند که گزارش‌های مالی به‌طور دقیق وضعیت شرکت را نشان می‌دهد (رحمان و چن[4]، ۲۰۲۳).

با توجه به موارد مطرح‌شده، هدف این پژوهش پاسخگویی به سؤالات زیر است که:

۱. آیا بین ویژگی‌های مدیرعامل اجرایی و عملکرد مالی بانک رابطه وجود دارد؟

۲. آیا کمیته حسابرسی بر رابطه‌ی بین ویژگی‌های مدیرعامل و عملکرد مالی بانک تأثیرگذار است؟

۱- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در نظام مالی اسلامی، ویژگی‌های اخلاقی و شایستگی‌های مدیریتی نقش مهمی در ارتقاء سلامت مالی و اقتصادی سازمان‌ها ایفا می‌کند. آموزه‌های اسلامی بر انتخاب مدیران بر اساس امانت، تخصص، عدالت و تقوا تأکید دارند؛ چنان‌که در آیه‌ی معروف:«إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ»(قصص: ٢٦)

خداوند بر ترکیب "توانمندی (قوی)" و "امانت‌داری (امین)" به‌عنوان معیارهای برگزیدن افراد شایسته تأکید می‌کند. در این چارچوب، مدیرعاملی که از تخصص علمی، تجربه کافی و سلامت اخلاقی برخوردار است، می‌تواند منابع مالی و انسانی سازمان را در مسیر درست هدایت کرده و از فساد مالی و مدیریتی جلوگیری نماید (موسوی و همکاران، ۱۳۹۹).

همچنین، در نظام مالی اسلامی، مکانیزم‌های نظارتی مانند کمیته حسابرسی به‌عنوان ابزارهای تحقق شفافیت، پاسخگویی و جلوگیری از اسراف و فساد مورد تأکید قرار گرفته‌اند. به‌ویژه اصل نهی از منکر ایجاب می‌کند که ساختارهای نظارتی در سازمان‌ها به گونه‌ای طراحی شوند که مانع از تخلف و سوءمدیریت باشند (حبیبی، ١٤٠٠). از این رو، وجود اعضای متخصص، مستقل و دارای بینش اخلاقی در کمیته حسابرسی، می‌تواند به ایفای بهتر مسئولیت نظارتی آنان و تقویت عدالت اقتصادی در سازمان منجر شود.

هم‌چنین، از منظر اسلام، عدالت سازمانی یکی از اصول بنیادین در اداره امور اقتصادی است و تصمیم‌گیری‌های مدیران باید منطبق با عدالت، مصالح عمومی و نه منافع شخصی باشد. از این جهت، بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای مدیران ارشد و کمیته‌های نظارتی بر عملکرد مالی بانک‌ها، می‌تواند در چارچوب مفاهیم اسلامی همچون عدالت،

[1] Alhadel,hashem
[2] ha
[3] Nasir et al.
[4] Rahman,chen

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

امانت‌داری، شایسته‌سالاری، نظارت الهی و پرهیز از ربا و اسراف تحلیل و تبیین شود (نقوی، ۱۳۹۸).

ویژگی‌های فردی مدیرعامل، از جمله پیشینه تحصیلی، جنسیت و دوره تصدی، از جمله مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی تأثیرگذار بر عملکرد مالی سازمان‌ها به شمار می‌روند. این متغیرها به‌عنوان نمایندگانی از ظرفیت‌های شناختی، رفتاری و مدیریتی مدیرعامل، می‌توانند تصمیم‌گیری‌های مالی و راهبردی بانک‌ها را تحت تأثیر قرار دهند.

پیشینه تحصیلی مدیرعامل به‌عنوان شاخصی از دانش، مهارت و توانایی شناختی در نظر گرفته می‌شود که در فرآیند تصمیم‌گیری مالی و سرمایه‌گذاری نقش اساسی ایفا می‌کند. به گفته کائور و سینگ[1] (۲۰۱۹)، تحصیلات یکی از عوامل کلیدی در ارتقاء شغلی و انگیزه‌بخشی به کارکنان محسوب می‌شود. کانلی و همکاران (۲۰۱۱) نیز بیان می‌دارند که سطح بالای تحصیلات موجب ارتقای جایگاه مدیران و بهبود تصمیم‌گیری آن‌ها می‌شود. یافته‌های ناصم و همکاران[2] (۲۰۲۰) تأیید می‌کند که سابقه تحصیلی مدیرعامل تأثیر معناداری بر ظرفیت تصمیم‌گیری مالی دارد. همچنین سعیدو[3] (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که مدیران با تحصیلات عالی، درک بهتری از مفاهیم مالی دارند و می‌توانند اقدامات مؤثرتری برای بهبود عملکرد مالی سازمان انجام دهند. به‌طور کلی، پژوهش‌های متعددی از جمله مطالعه سوهرمن و همکاران[4] (۲۰۲۳) بر همبستگی مثبت بین سطح تحصیلات مدیرعامل و عملکرد مالی سازمان‌ها تأکید دارند. در همین راستا، صدا، گانسان و احمد[5] (۲۰۲۳) اظهار می‌دارند که مدیران با تحصیلات بالاتر از توانمندی شناختی و تحلیلی بیشتری برخوردار بوده و در اتخاذ تصمیم‌های راهبردی عملکرد بهتری از خود نشان می‌دهند.

جنسیت مدیرعامل نیز به‌عنوان یکی از ابعاد جمعیت‌شناختی، در تحلیل عملکرد مالی نقش دارد. شواهد پژوهشی نشان می‌دهند که مدیران زن دارای دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به همتایان مرد خود هستند و اغلب درک عمیق‌تری از نیازهای مشتریان دارند (سوهرمن و همکاران، ۲۰۲۳). بنوری و همکاران (۲۰۱۸) و خاو و همکاران (۲۰۲۲) معتقدند که مدیران زن رویکردهای تازه‌ای در حل مسائل و تصمیم‌گیری‌های سازمانی ارائه می‌کنند. همچنین فن و همکاران (۲۰۲۱) نشان می‌دهند که حضور زنان در پست‌های مدیریتی می‌تواند منجر به کاهش هزینه‌های عملیاتی و افزایش بهره‌وری مالی شود. یافته‌های احمد و همکاران (۲۰۲۲) نیز حاکی از تأثیر مثبت مدیران زن بر عملکرد بانک‌های اندونزی است. از سوی دیگر، ناصم و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی بر روی شرکت‌های پاکستانی دریافتند که جنسیت مدیرعامل در بازه ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ تأثیر معناداری بر عملکرد مالی

[1] Kaour,sing
[2] Nasem et al.
[3] saeido
[4] Soherman et al.
[5] Seda,gansan,ahmad

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

دارد. به‌طور کلی، زنان با احتیاط بیشتری در فرآیند تصمیم‌گیری عمل می‌کنند و در توسعه نوآوری، خلاقیت و مدیریت ریسک نقش مهمی دارند (سوهرمن و همکاران، ۲۰۲۳).

دوره تصدی مدیرعامل نیز از دیگر عوامل مؤثر بر عملکرد مالی بانک‌هاست. این متغیر نشان‌دهنده میزان ماندگاری مدیرعامل در سمت فعلی خود بوده و می‌تواند پیامدهای مختلفی بر ساختار قدرت و فرآیندهای تصمیم‌گیری داشته باشد. به گفته میلر و لوئیس[1] (۱۹۹۱)، دوره تصدی طولانی‌تر به مدیران کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از ساختار شرکت پیدا کرده و شبکه‌های اجتماعی مؤثرتری بسازند. همچنین هارتنل و همکاران (۲۰۱۶) و گوپتا و همکاران[2] (۲۰۲۲) تأکید دارند که کاهش نرخ جابه‌جایی مدیران عامل در شرکت‌های سعودی به بهبود عملکرد مالی منجر شده است. با این حال، مطالعاتی مانند ناصم و همکاران (۲۰۲۰) و شهاب و همکاران[3] (۲۰۲۰) بیان می‌کنند که مدیران عامل تازه‌منصوب‌شده به دلیل نااطمینانی از آینده شغلی خود، تمایل بیشتری به ریسک‌پذیری دارند. براساس نظریه نمایندگی، تصدی طولانی‌مدت مدیرعامل ممکن است موجب کاهش استقلال هیئت‌مدیره و تضعیف نظارت بر عملکرد مدیرعامل شود. این وابستگی، گاه منجر به تأثیر منفی بر عملکرد مالی سازمان خواهد شد، به‌ویژه زمانی که رابطه قوی و غیراصولی میان مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره شکل گیرد.

در مجموع، ویژگی‌های فردی مدیرعامل از جمله تحصیلات، جنسیت و دوره تصدی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌گیری‌های راهبردی و در نهایت عملکرد مالی بانک‌ها دارند. بررسی این ویژگی‌ها در قالب چارچوب‌های نظری از جمله نظریه نمایندگی، می‌تواند زمینه مناسبی برای درک بهتر از رفتارهای مدیریتی و تأثیر آن‌ها بر نتایج مالی فراهم آورد.

مالکیت سهام یکی از عوامل کلیدی است که باید در هنگام بررسی کیفیت مدیرعامل در نظر گرفته شود، زیرا از لحاظ نظری یکی از منابع قدرت مدیرعامل را نشان می‌دهد. موضوع همسویی منافع نمایندگی فرض می‌کند که وقتی یک شرکت توسط رئیسی که مالکیت بخشی از شرکت را دارد، هدایت می‌شود، او تمایل زیادی به کار در جهت دستیابی به اهداف شرکت دارد (سایدو[4]، ۲۰۱۹). به‌طور معمول، هر چه مالکیت مدیرعامل بیشتر باشد، انگیزه او برای سازماندهی کارآمد دارایی‌ها و کشف فرصت‌های سودآور قوی‌تر است (کائور و سینگ، ۲۰۱۹). افزایش مالکیت کارکنان، آن‌ها را به سمت مدیریت بهتر شرکت و در نتیجه بهبود عملکرد آن ترغیب می‌کند. مطالعات قبلی در مورد حاکمیت شرکتی همچنین مالکیت داخلی را به‌عنوان یکی از راه‌حل‌های بالقوه برای کنترل مشکلات نمایندگی ناشی از جدایی مالکیت از کنترل می‌خواند (سادا، گانسان، یت و همکاران[5]، ۲۰۲۳). بنابراین، انتظار می‌رود مدیرعامل در صورت مالکیت بخشی از سهام شرکت، نقش مدیریتی استثنایی را ایفا

[1] Miller & Lewis
[2] Gupta et al
[3] Shahab et al
[4] Saydo et al.
[5] Yet al.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

کند، به‌ویژه که بخشی از سود یا زیان شرکت را بر اساس درصد مشارکت در مالکیت شرکت متحمل می‌شود.

تجربه مدیرعامل یک مسئله قابل توجه برای کسب‌وکارها است و به چندین جنبه مانند عملکرد مالی و کیفیت گزارشگری مالی مرتبط است (جلال و همکاران[1]، ۲۰۲۲). سالمی و زواری[2] (۲۰۲۳)، بیان می‌کنند که عملکرد یک شرکت باید با تجربه مدیرعامل آن مرتبط باشد. مدیران عامل به تخصص حرفه‌ای نیاز دارند تا فناوری‌های جدید را براساس تجربیات قبلی خود در شرکت‌ها بگنجانند، که به آن‌ها کمک می‌کند قضاوت بهتری داشته باشند (سوهرمن و همکاران، ۲۰۲۳).

پژوهش‌های بوعزیز و همکاران[3] (۲۰۲۰) و بااتوا و همکاران (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که مدیران عامل با تجربه بیشتر تمایل دارند استانداردهای حسابداری محافظه‌کارانه‌تر و پیش‌بینی سود دقیق‌تری در شرکت خود داشته باشند. بر اساس تئوری وابستگی به منابع، تجربه مهم‌ترین دارایی یک شرکت است و برای دستیابی به اهداف آن ضروری است. یک مدیرعامل با تجربه قبلی در زمینه شرکت ممکن است با توجه به دانش و تخصص خود سرمایه انسانی بیشتری را در اختیار سازمان قرار دهد. علاوه بر این، جستجوی سرمایه خارجی را برای آن‌ها آسان‌تر می‌کند (صالح و همکاران، ۲۰۲۰). بر این اساس، پژوهشات ما نشان می‌دهد که افزایش تخصص مدیرعامل ممکن است گامی مهم در کمک به بانک‌ها در مدیریت عملیات روزانه و ایجاد یک برنامه تاکتیکی باشد که بانک را قادر می‌سازد به اهداف خود دست یابد.

رابطه مدیر-مالک مشکلاتی در عدم تقارن اطلاعات و هزینه‌های نمایندگی ایجاد کرده است. در مورد تئوری نمایندگی، مسائلی به دلیل تضاد منافع بین مدیر- مالک ایجاد می‌شود. علاوه بر این، این نظریه مشکلات را به استانداردهای اخلاقی ناکافی و رفتار اداری مرتبط می‌کند (عبدالله و همکاران[4]، ۲۰۲۲). قوانین ضعیف عملیاتی و بازاری، مکانیسم‌های کنترل ناکارآمد، و رویه‌های بد حاکمیت شرکتی به سوء مدیریت کمک می‌کنند. ازاین‌رو، با توجه به الزبان (۲۰۲۰) و کالیتا و تیواری (۲۰۲۳)، حقوق و منافع سهامداران حفظ نمی‌شود. با توجه به این موضوع، تئوری نمایندگی بیان می‌کند ارائه مشوق‌ها به مدیر و صرف پول برای نظارت و محدود کردن اقداماتی که در راستای منافع شخصی است، مدیر می‌تواند مسائل عدم تقارن اطلاعات و هزینه‌های نمایندگی را کنترل یا به حداقل برساند (جنسن و مکلینگ، ۱۹۷۶). کمیته‌های حسابرسی به‌عنوان یک گام اضافی برای کاهش رفتار فرصت طلبانه مدیر می‌باشند (کالامو و ساعت، ۲۰۱۵). ایجاد کمیته‌های حسابرسی ازجمله اقدامات پیش‌بینی‌شده برای محافظت از ذینفعان مختلف می‌باشد (گانسان و همکاران[5]، ۲۰۲۲).

[1] Balal et al.
[2] Salami,zavari
[3] Boaziz et al.
[4] Abdolah et al.
[5] Gansan et al.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

بااین‌حال، به‌منظور نظارت بر ریسک‌ها، کنترل یا به حداقل رساندن اتلاف منابع و تضمین پایبندی به الزامات قانونی و نظارتی، کسب‌وکارها و سهامداران آن‌ها به تصمیمات کمیته حسابرسی وابسته هستند (الاحدال و هاشم، ۲۰۲۲).

از طریق پیگیری مستمر کمیته حسابرسی، کمیته می‌تواند اطمینان حاصل کند که مدیرعامل برای دستیابی به اهداف شرکت تلاش می‌کند و نهایت تلاش خود را برای تأمین منافع شرکت و بهبود عملکرد مالی آن به کار می‌گیرد (سرداری و همکاران[1]، ۲۰۲۱). کمیته حسابرسی باید مسئول بسیاری از جنبه‌ها، ازجمله انتصاب حسابرسان خارجی، عزل آن‌ها، دریافت حق‌الزحمه آن‌ها، یا اخراج آن‌ها باشد. کمیته به هیئت‌مدیره در انجام مسئولیت‌های مالی و حسابداری خود کمک می‌کند، در مورد هرگونه عملیات یا رویه‌هایی که به نظر می‌رسد بر امنیت مالی بانک تأثیر می‌گذارد، بررسی و پژوهش می‌کند، از هیئت‌مدیره می‌خواهد که از ساختار سازمانی مناسب بانک پیروی کند. همچنین، تشکیلات سازمانی را ایجاد یا لغو کرده و وظایف آن‌ها را تعیین می‌کند. تشکل‌ها بر سیاست‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به انتصاب یا عزل کلیه کارکنان بانک ازجمله مدیریت اجرایی، نظارت بر کفایت سیستم‌های کنترل داخلی و افشای نقاط ضعف در سیستم‌های کنترل داخلی که منجر به عدم امکان کشف یا جلوگیری از تخلف می‌شود، یا تخلفی که تأثیر اساسی بر بانک دارد، نظارت می‌کنند. همچنین کمیته حسابرسی توانایی کامل جمع‌آوری هرگونه اطلاعات از مدیریت اجرایی و همچنین حق احضار هر مدیری را به هر جلسه کمیته و پاسخگویی به هرگونه استعلام را دارد. در نتیجه، کمیته حسابرسی متشکل از مدیرانی با ویژگی‌های قابل قبولی مانند استقلال، تخصص، تجربه و تنوع جنسیتی به‌عنوان یک ابزار حاکمیتی مؤثر برای محدود کردن منافع خودخواهانه مدیر و حفظ حقوق سهامداران تلقی می‌شود (طارق و همکاران[2]، ۲۰۲۱).

۲- پیشینه پژوهش

هازا و همکاران[3] (۲۰۲٤) در بررسی تأثیر ویژگی‌های مدیرعامل اجرایی و کمیته حسابرسی بر عملکرد مالی: شواهدی از عراق بیان کردند که تحصیلات مدیرعامل، مالکیت مدیرعامل و تجربه مدیرعامل تأثیر مثبت و معناداری بر موفقیت مالی دارند. همچنین، ویژگی‌های کمیته حسابرسی نیز نقش اساسی در پیوند این ویژگی‌های مدیرعامل و عملکرد مالی ایفا می‌کنند.

منیف و همکاران[4] (۲۰۲٤) در پژوهشی با عنوان" تخصص و تجربه اعضای زن کمیته حسابرسی: آیا بین مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و واقعی تعادل وجود دارد؟"، تأثیر حضور مدیران زن در کمیته‌های حسابرسی پس از تصویب قانون سهمیه‌بندی جنسیتی را

[1] Sardari et al.
[2] Taregh et al.
[3] Haza et al.
[4] MNIF et al.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

بررسی کردند. این مطالعه نشان داد که حضور بیشتر مدیران زن در کمیته‌های حسابرسی، تمایل بیشتری به استفاده از مدیریت سود واقعی دارد و تخصص آن‌ها به کاهش مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی کمک می‌کند.

وان کونگ دانگ و نگوئن[1] (۲۰۲۳)، به بررسی"تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی در ویتنام"دریافتند که اندازه کمیته حسابرسی با اجتناب مالیاتی همبستگی مثبت دارد، درحالی‌که ویژگی‌هایی چون نسبت اعضای زن و کارشناسان مالی کمیته می‌تواند رفتارهای اجتناب مالیاتی را محدود کند. این نتایج اهمیت نقش کمیته حسابرسی در کاهش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را نشان می‌دهند.

منصوری‌نیا و همکاران (۱٤۰۳)، در پژوهشی با عنوان"نقش کیفیت کمیته حسابرسی بر عملکرد مالی بانک‌های دولتی و خصوصی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار" بیان کردند که در بانک‌های خصوصی، اندازه کمیته حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری بر سود بانکی دارد و سایر ویژگی‌های کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر سود بانکی ندارند. همچنین، اندازه، استقلال و تخصص کمیته حسابرسی در بانک‌های دولتی تأثیر مثبت و معناداری بر سود و نقدینگی بانک دارند. یافته‌ها نشان می‌دهند که با افزایش کیفیت کمیته حسابرسی، عملکرد مالی بانک‌ها بهبود می‌یابد.

برزگر و همکاران (۱٤۰۲)، در پژوهشی در مورد"تأثیر ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران" تعداد ۱۱٤ شرکت در طی دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی شامل استقلال، اندازه و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تأثیر معکوس و معناداری می‌گذارد.

مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر تمرکز زیادی بر بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی مدیرعامل و ویژگی‌های ساختاری کمیته حسابرسی بر عملکرد مالی شرکت‌ها و بانک‌ها شده است. در این راستا، هازا و همکاران (۲۰۲٤) با بررسی داده‌های بانک‌های کشور عراق، نشان دادند که متغیرهایی چون تحصیلات، تجربه و مالکیت مدیرعامل نقش مثبت و معناداری در موفقیت مالی ایفا می‌کنند و همچنین کمیته حسابرسی به‌عنوان متغیری واسطه‌گر، در پیوند بین این ویژگی‌ها و عملکرد مالی نقش مهمی دارد. این یافته‌ها مؤید آن است که تأثیر متغیرهای فردی، زمانی معنادارتر می‌شود که با سازوکارهای نظارتی همراه باشد.

در همین راستا، منیف و همکاران (۲۰۲٤) با تمرکز بر نقش جنسیت و تخصص اعضای کمیته حسابرسی، دریافتند که حضور زنان متخصص در کمیته‌ها می‌تواند گرایش به مدیریت سود را تغییر دهد. نتایج آن‌ها نشان داد که زنان تمایل بیشتری به مدیریت سود واقعی دارند و درعین‌حال تخصص مالی آن‌ها منجر به کاهش مدیریت سود تعهدی می‌شود.

[1] Van Cuong Dang & Quang Khai Nguyen

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

این یافته‌ها تأکید می‌کنند که تنوع جنسیتی و مهارتی در کمیته‌های حسابرسی، نقش مهمی در جهت‌دهی به رفتارهای مالی دارد.

وان کونگ دانگ و نگوین (۲۰۲۳) نیز در مطالعه‌ای در ویتنام، تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی را بر اجتناب مالیاتی بررسی کرده‌اند و نشان دادند که اندازه کمیته با افزایش رفتارهای اجتناب مالیاتی همبستگی دارد، اما در مقابل، حضور اعضای زن و متخصصان مالی می‌تواند این رفتارها را محدود نماید. بنابراین، ترکیب و کیفیت اعضای کمیته، در بهبود شفافیت مالی و انضباط مالیاتی اهمیت دارد.

در ایران، پژوهش‌هایی نیز با رویکرد مشابه انجام‌شده است. منصوری‌نیا و همکاران (۱٤۰۳) با مقایسه بانک‌های دولتی و خصوصی، دریافتند که در بانک‌های خصوصی تنها اندازه کمیته حسابرسی اثرگذار است، در حالی که در بانک‌های دولتی، ترکیب متنوع‌تر شامل اندازه، استقلال و تخصص منجر به بهبود عملکرد مالی می‌شود. این تفاوت نشان‌دهنده اهمیت بافت نهادی و ساختار مالکیت در تفسیر اثرگذاری مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی است.

با وجود این مطالعات، اغلب پژوهش‌ها تمرکز خود را به‌صورت مجزا بر ویژگی‌های مدیرعامل یا ویژگی‌های کمیته حسابرسی قرار داده‌اند. همچنین در مطالعات داخلی، ترکیب همزمان این دو دسته متغیر در قالب یک مدل تحلیلی جامع با هدف بررسی اثر ترکیبی و تعاملی آن‌ها بر عملکرد مالی بانک‌ها به‌ویژه با تأکید بر شرایط ساختاری و نهادی بازارهای مالی ایران، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

نوآوری پژوهش حاضر در آن است که با ترکیب ویژگی‌های فردی مدیرعامل (تحصیلات، جنسیت، و دوره تصدی) و ویژگی‌های ساختاری کمیته حسابرسی (اندازه، تخصص، استقلال و تنوع جنسیتی)، به تحلیل همزمان تأثیر این عوامل بر عملکرد مالی بانک‌ها پرداخته است. این پژوهش، در بافت خاص نظام بانکی ایران و با تفکیک تأثیرگذاری ویژگی‌ها در سطوح مختلف حاکمیت شرکتی، درصدد شناسایی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر عملکرد مالی است که تاکنون در ادبیات داخلی به‌صورت تلفیقی و مقایسه‌ای کمتر بررسی شده‌اند.

فرضیه‌های پژوهش

بین جنسیت مدیرعامل اجرایی و عملکرد مالی بانک رابطه معناداری وجود دارد.

بین سطح تحصیلات مدیرعامل اجرایی و عملکرد مالی بانک رابطه معناداری وجود دارد.

بین افزایش دوره تصدی مدیرعامل اجرایی و عملکرد مالی بانک رابطه معناداری وجود دارد.

بین مالکیت مدیرعامل اجرایی و عملکرد مالی بانک رابطه معناداری وجود دارد.

بین تجربه مدیرعامل اجرایی و عملکرد مالی بانک رابطه معناداری وجود دارد.

کمیته حسابرسی بر رابطه‌ی بین ویژگی‌های مدیرعامل اجرایی و عملکرد مالی بانک تأثیرگذار است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

۳- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش ازنظر هدف، کاربردی و ازنظر ماهیت و روش اجرا، توصیفی–پیمایشی از نوع همبستگی است که با رویکرد پس‌رویدادی انجام‌شده است. اطلاعات و داده‌های مورد نیاز پژوهش به‌صورت ثانویه و از طریق مراجعه به صورت‌های مالی حسابرسی‌شده بانک‌ها، گزارش‌های سالانه، یادداشت‌های توضیحی، سامانه کدال و سایت بانک مرکزی گردآوری شده‌اند. اطلاعات مربوط به متغیرهای مستقل (ویژگی‌های مدیرعامل: جنسیت، مدرک تحصیلی، سابقه تصدی) و متغیرهای تعدیل‌گر (ویژگی‌های کمیته حسابرسی: اندازه، تخصص، استقلال، تنوع جنسیتی) از یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی و گزارش هیئت‌مدیره به مجمع عمومی استخراج گردیده‌اند. متغیر وابسته نیز عملکرد مالی بانک‌ها است که با نسبت بازده دارایی‌ها (ROA) اندازه‌گیری شده است. برای توصیف داده‌ها از آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر استفاده شده و برای بررسی نرمال بودن داده‌ها، آزمون جارک به‌کار رفته است. به‌منظور آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر داده‌های پانل (Panel Data Regression) استفاده شده است. برای انتخاب بین مدل‌های اثرات ثابت و تصادفی از آزمون‌های F لیمر و هاسمن بهره گرفته شده است. تمامی مراحل تحلیل با استفاده از نرم‌افزار EViews نسخه ۱۲ انجام‌شده است.

٤- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری موردمطالعه در این پژوهش، بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹٤ تا ۱٤۰۲ می‌باشند. نمونه آماری بر اساس روش غربالگری انجام‌شده است. در نهایت ۱٦ بانک به‌عنوان نمونه انتخاب شد.

٥- مدل پژوهش و نحوه محاسبه متغیرها

با توجه به پژوهش هازا و همکاران (۲۰۲٤) به شرح زیر است:

مدل (۱)

$$ROA_{I,t} = \alpha_0 + \beta_1 CEO\ EDUCATION_{it} + \beta_2 CEO\ GENDER_{it} + \beta_3 TENURE_{it} + \beta_4 CEO\ OWNERSHIP_{it} + \beta_5 CEO\ EXPERIENCE_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 AGE_{I,t} + B_8 LEV_{I,t} + \varepsilon_{I,t}$$

مدل (۲)

$$ROA_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 CEO\ EDUCATION_{it} + \beta_2 CEO\ GENDER_{it} + \beta_3 TENURE_{it} + \beta_4 CEO\ OWNERSHIP_{it} + \beta_5 CEO\ EXPERIENCE_{it} + \beta_6 ACC_{it} + \beta_7 CEO\ EDUCATION_{it}*ACC + \beta_8 CEO\ GENDER_{it}*ACC + \beta_9 TENURE_{it}*ACC + \beta_{10} CEO\ OWNERSHIP_{it}*ACC + \beta_{11} CEO\ EXPERIENCE_{it}*ACC + \beta_{12} SIZE_{it} + \beta_{13} AGE_{i,t} + B_{14} LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در مدل‌های بالا:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

ROA : بازده دارایی
CEO EDUCATION: تحصیلات مدیرعامل
CEO GENDER : جنسیت مدیرعامل
TENURE : دوره تصدی مدیرعامل
CEO OWNERSHIP : مالکیت مدیرعامل
CEO EXPERIENCE : تجربه مدیرعامل
ACC : کمیته حسابرسی
SIZE : اندازه بانک
AGE : عمر بانک
LEV : اهرم بانکی

۱-۵- متغیر وابسته این پژوهش، عملکرد مالی بانک است که معیار اندازه‌گیری عملکرد مالی؛ بازده دارایی‌هاست (ROA) :
ROA = درآمد خالص / کل دارایی‌ها

۲-۵- متغیر مستقل این پژوهش، ویژگی‌های مدیریت است:
CEO EDUCATION : تحصیلات مدیرعامل
تحصیلات مدیرعامل به‌عنوان یک متغیر ساختگی در این تحلیل استفاده شد که کد ۱ نشان‌دهنده مدیرعامل با تحصیلات تکمیلی و کد ۰ نشان‌دهنده مدیرعامل بدون تحصیلات تکمیلی است (سایدو، ۲۰۱۹).
CEO GENDER : جنسیت مدیرعامل
متغیر ساختگی این مطالعه برای جنسیت مدیرعامل، کد ۱ را به مدیران عامل زن و ۰ را به مدیران عامل مرد اختصاص داد (بوعزیز و همکاران، ۲۰۲۰).
TENURE : دوره تصدی مدیرعامل
دوره تصدی مدیرعامل بر اساس تعداد سال‌هایی که مدیرعامل برای بانک کارکرده است تعیین می‌شود (الحمود و همکاران، ۲۰۲۳).
CEO OWNERSHIP : مالکیت مدیرعامل
مالکیت مدیرعامل با تقسیم تعداد سهام مدیران بانک بر کل سهام موجود محاسبه می‌شود (سادا و همکاران، ۲۰۲۲; سادا، گانسان، یت، و همکاران و همکاران، ۲۰۲۳).
CEO EXPERIENCE : تجربه مدیرعامل
تجربه مدیرعامل بر اساس تعداد سمت‌های اجرایی‌ای که وی پیش از تصدی پست مدیرعاملی داشته است، چه در داخل بانک و چه در خارج از آن، اندازه‌گیری می‌شود (الحمود و همکاران، ۲۰۲۳).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

۳-۵- متغیر تعدیل‌کننده پژوهش
کمیته حسابرسی (ACC)

٤-۵- متغیر کنترلی
اندازه بانک (SIZE) : لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها است.
سن بانک (AGE) : تعداد سال‌هایی است که بانک شروع به کارکرده است.
اهرم بانکی (LEV) : نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام است (بن آبدسلم و همکاران، ۲۰۲۲).

٦- نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

۱-٦- یافته‌های توصیفی
اولین گام در تحلیل آماری تعیین مشخصات خلاصه شده داده‌ها و محاسبه شاخص‌های توصیفی می‌باشد. هدف از این تحلیل شناخت روابط درونی متغیرها و نشان دادن رفتار آزمودنی‌ها می‌باشد تا مقدمات تحلیل آماری فراهم‌شده و خصوصیات توصیفی برای تحلیل بیشتر آشکار گردد (هومن، ۱۳۷۰).
تحلیل داده‌ها در این بخش با محاسبه شاخص‌های مرکزی ازجمله میانگین و میانه و شاخص‌های پراکندگی از قبیل انحراف معیار، حداکثر و حداقل مقدار متغیرها انجام‌شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
بازده دارایی (ROA)	/۰۲۸۹۵ ۰	/۰۳۰۰۶ -۰	/۳۵۰۶۲ ۵۵	/۰۷۵۹ -۶۰	۰۷۰۵۷ ۵/۶	۴۰۸۴۲ ۰/۹	/۳۰۰۳۶ ۶۵
جنسیت مدیرعامل (CEO GENDER)	۲۲۰۶۹ ۰/۸	۱	۱	۰	۰۸۴۶۷ ۰/۵	/۶۹۶۳۷ -۰	۷۶۹۱۰ ۲/۷
تحصیلات مدیرعامل (CEO EDUCATION)	۶۷۷۷۷ ۰/۶	۱	۱	۰	۲۲۵۰۷ ۰/۳	۱۱۵۲۳ ۰/۳	۷۶۳۷۰ ۱/۰
دوره تصدی مدیرعامل (TENURE)	۰۶۷۲۵ ۰/۳	۵	۶	۲	۰۸۱۱۸ ۰/۷	۵۶۱۶۸ ۲/۰	/۱۲۷۸۰ ۱۱
مالکیت مدیرعامل (CEO OWNERSHIP)	۱۳۵۵۷ ۰/۶	۱	۱	۰	۱۰۱۰۸ ۰/۴	۷۸۳۳۴ ۰/۹	۹۴۹۲۹ ۲/۵
تجربه مدیرعامل (CEO EXPERIENCE)	۱۱۵۲۵ ۰/۴	۰۹۷۴۲ ۰/۸	۵۲۱۲۰ ۰/۹	۰۰۰۱۷ ۰/۷	۰۷۴۵۰ ۰/۹	۶۲۷۰۹ ۱/۱	۷۹۹۸۳ ۶/۹
اندازه بانک (SIZE)	۴۸۶۹۹ ۰/۸	۵۲۵۱۰ ۰/۱	۸۲۰۸۷ ۰/۵	۰۴۳۷۸ ۰/۳	۲۱۴۶۷ ۰/۴	/۴۷۴۸۸ -۰	۱۵۷۴۰ ۲/۵
عمر بانک (AGE)	۱۲۶۷۵ ۰/۶	۱۰۲۳۱ ۰/۶	۴۵۵۵۸ ۰/۲	۰۰۰۴۶ ۰/۰	۰۹۳۹۳ ۰/۳	۱۹۲۱۵ ۱/۶	۲۶۶۸۱ ۴/۳
اهرم بانکی (LEV)	۲۳۱۲۶ ۰/۲	۲۹۱۹۹ ۰/۳	۳۶۴۰۵ ۰/۶	۰۲۷۵۲ ۰/۸	۱۱۹۳۸ ۰/۸	/۶۷۸۶۴ -۰	۰۵۵۸۲ ۲/۹

منبع یافته‌های پژوهش

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

۲-٦- آزمون آماره جارک

در انجام این پژوهش، به‌منظور تخمین پارامترهای مدل از روش حداقل مربعات معمولی استفاده می‌گردد. روش حداقل مربعات معمولی بر این فرض استوار است که متغیر وابسته دارای توزیع نرمال است و توزیع غیر نرمال آن منجر به تخطی از مفروضات این روش برای تخمین پارامترها می‌شود. لذا لازم است نرمال بودن متغیرهای وابسته مورد آزمون قرار گیرد. در مطالعه حاضر آزمون نرمال بودن از طریق آماره جارک-برا موردبررسی قرار می‌گیرد. اگر سطح معناداری آماره این آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ باشد، فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیرها پذیرفته می‌شود. نتایج آزمون جارک-برا برای متغیر وابسته در جدول ۲ ارائه‌شده است.

جدول ۲ : آماره جارک - برای متغیر وابسته پژوهش

آزمون نرمالیته	بازده دارایی (ROA)
جارک- برا	۳۱۱۵/٤٥۹
معناداری	۰/۰۰۰۰۰۰

منبع یافته‌های پژوهش

در جدول ۲ با توجه به کوچک‌تر بودن مقدار معناداری آماره جارک-برا متغیر وابسته، از سطح معناداری ۰/۰۵، مشخص می‌گردد متغیرها نرمال نمی‌باشند. در این پژوهش با عنایت به بزرگ بودن حجم نمونه (N>30)، و تعداد مشاهدات بالا، از قضیه حد مرکزی بهره می‌گیریم؛ از قضیه حد مرکزی می‌توان نتیجه گرفت که هر چه حجم پایه در نمونه‌برداری بزرگ‌تر باشد، واریانس بین نمونه‌ها کمتر و توزیع میانگین جوامع نمونه‌برداری شده به توزیع نرمال نزدیک‌تر می‌شود و نرمال بودن توزیع موردنظر با افزایش تعداد تکرارها (n) افزایش می‌یابد.

۳-٦- آزمون مانایی متغیرها

به‌منظور بررسي مانايي متغيرهای پژوهش از آزمون ریشه واحد فیلیپس پرون برای متغیرهای پژوهش استفاده گردید. استفاده از داده‌های نامانا می‌تواند منجر به رگرسیون کاذب[1] شود. لذا در چنین شرایطی، روش‌های رگرسیون استاندارد منجر به یک رگرسیون با ظاهری خوب می‌شود که همه ضرایب آن معنی‌دار بوده و دارای R^2 بالایی خواهد بود اما در اصل یک رگرسیون کاذب است. نتیجه آزمون ریشه واحد فیلیپس پرون برای متغیرهای مدل موردبررسی در ذیل آمده است.

[1] Spurious regression

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

جدول ۳- بررسی مانایی فیلیپس پرون

متغیر	آزمون فیلیپس پرون		نتیجه آزمون
	آماره	معناداری	
بازده دارایی (ROA)	٦٤٠/٣٣٦	۰/۰۰۰۰	مانا
جنسیت مدیرعامل (CEO GENDER)	٥٢٠/١٥١	۰/۰۰۰۰	مانا
تحصیلات مدیرعامل (CEO EDUCATION)	١١٧٧/٦١	۰/۰۰۰۰	مانا
دوره تصدی مدیرعامل (TENURE)	٧٧٨/١٢٥	۰/۰۰۰۰	مانا
مالکیت مدیرعامل (CEO OWNERSHIP)	٦٩٧/٥٨٤	۰/۰۰۰۰	مانا
تجربه مدیرعامل (CEO EXPERIENCE)	٦٨٦/١٧٩	۰/۰۰۰۰	مانا
کمیته حسابرسی (ACC)	٥٠٤/٧٣١	۰/۰۰۰۰	مانا
اندازه بانک (SIZE)	٤٥٣/٩٤٦	۰/۰۰۰۰	مانا
عمر بانک (AGE)	٥٨٥/٧٦٩	۰/۰۰۰۰	مانا
اهرم بانکی (LEV)	٥٢٠/٢٢٣	۰/۰۰۰۰	مانا

منبع یافته‌های پژوهش

نتایج جدول ۳ نشان‌دهنده این است که مقدار معناداری متغیرها کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ می‌باشند بنابراین در سطح مانا می‌باشند.

٦-٤- آزمون اف لیمر (چاو)

به‌منظور تخمین مدل مربوط به فرضیه‌ها، در ابتدا باید نوع روش تخمین، مشخص گردد. بنابراین، ابتدا برای تشخیص بین اینکه باید از روش پولینگ دیتا استفاده شود یا از روش داده‌های تلفیقی استفاده شود، آماره چاو (F لیمر) محاسبه می‌شود. با توجه به فرض ثابت بودن ضرایب متغیرها، آیا عرض از مبدأ در تمامی سال‌ها ثابت است یا خیر. به‌طورکلی برای انتخاب از میان مدل Pooled و Panel از آزمون زیر استفاده می‌کنیم:

$$\begin{cases} H_0: \alpha_1 = \alpha_2 = \alpha_3 = \cdots = \alpha_{t-1} & \text{(مدل pooled) تمام عرض از مبداها با هم} \\ H_1: \alpha_i \neq \alpha_j & \text{(مدل panel) حداقل یکی از عرض از مبداها با بقیه} \end{cases}$$

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

جدول۳- نتایج آزمون F لیمر

مدل پژوهش	آماره F لیمر	درجه آزادی	معناداری	نتیجه
۱	٤/۰۷۲۳٥٦	(١٦١/٦٣٧)	۰/۰۰۰۰	پنل دیتا (مدل panel)
۲	۱/٦٤٣٩٥٧	(١٦١/٦٣٧)	۰/۰۰۰۰	پنل دیتا (مدل panel)

منبع یافته‌های پژوهش

طبق جدول ۳ مشاهده می‌گردد مقدار معناداری در تمام موارد کوچک‌تر از سطح خطای ۰/۰۵ است، پس فرضیه صفر این آزمون که بیان‌کننده ترجیح روش پولینگ دیتا بر روش داده‌های تلفیقی است رد می‌شود و تخمین با روش داده‌های تلفیقی (panel مدل) ترجیح داده می‌شود و باید عرض از مبدأ برای معادله لحاظ نمود.

٦-٥- آزمون هاسمن

حال می‌بایست در مدل داده‌های تلفیقی (*panel*)، مدل اثرات ثابت در مقابل مدل اثرات تصادفی آزمون گردد. برای این کار از آزمون هاسمن استفاده شد.

آزمون این فرض به شرح ذیل می‌باشد:

$$\begin{cases} H_0 = \text{مدل اثرات تصادفی} \\ H_1 = \text{مدل اثرات ثابت} \end{cases}$$

جدول٤- نتایج آزمون هاسمن

مدل پژوهش	آماره هاسمن	درجه آزادی	معناداری	نتیجه
۱	۰/۰۰۰۰۰۰	۱۱	۱/۰۰۰۰	اثرات تصادفی
۲	۰/۰۰۰۰۰۰	۱۱	۱/۰۰۰۰	اثرات تصادفی

منبع یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه مقدار معناداری آزمون هاسمن در تمام موارد از سطح خطای ۰/۰۵ بزرگ‌تر است، فرضیه صفر مبتنی بر تخمین معادله به روش اثرات تصادفی رد نشده و مدل با استفاده از اثرات تصادفی تخمین زده شد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

٦-٦- آزمون مدل اول پژوهش

همان‌طور که مشخص است مقدار این آماره در این مطالعه نزدیک به ۲ می‌باشد که این مقدار نشان‌دهنده عدم وجود خودهمبستگی می‌باشد که حالت مطلوب در فرضیات اصلی مربوط به باقیمانده‌ها می‌باشد.

جدول ٥- تخمین مدل اول پژوهش

متغیر	مدل۱		
	ضریب	آماره تی	معناداری
جنسیت مدیرعامل (CEO GENDER)	۰/۰۱۱۷۱۸	۳۲/۳٤٤۷۲	۰/۰۰۰۰
تحصیلات مدیرعامل (CEO EDUCATION)	۰/۰٤۰۹۹۸	٥/۷۳٦٥۲۳	۰/۰۰۰۰
دوره تصدی مدیرعامل (TENURE)	۰/۰۱۷۱٦۷	۰/٥۹۲۳٥٤	۰/٥٥۳۸
مالکیت مدیرعامل (CEO OWNERSHIP)	۰/۰۰۰۳٥۲	۰/۷۲۳۹۰۸	۰/٤٦۹۳
تجربه مدیرعامل (CEO EXPERIENCE)	۰/۰۳٤۰٤٤	۲/۹۱۲۷۱۳	۰/۰۰۳۷
اندازه بانک (SIZE)	۰/۰۸۳۷٤۲	٤/٤۰۷۲۰۸	۰/۰۰۰۰
عمر بانک (AGE)	۰/۰۱۳۳۹۷	۰/۸۸۹۹۳۱	۰/۳۷۳۸
اهرم بانکی (LEV)	۰/۰۰۸۷٥۷	۲/۲۹۸۲٥۰	۰/۰۲۱۸
C	-۰/۰۲۷۹۲٥	-۱/٦۳۷۲۷۳	۰/۱۰۲۰
برازش کلی مدل	R^2 = ۰/٥۸۲۳٥۸ F= ۱۰۱/۱٥۷۱ prob(F) = ۰/۰۰۰ D.W=۱/۷٤۱٥۲٥		

منبع یافته‌های پژوهش

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

نتايج حاصل از برآورد مدل رگرسيوني مدل در جدول ۵ گزارش شده است. نتايج حاصل از برآورد مدل و سطح معناداری مربوط به F کوچکتر از ۰/۰۵ است حاكي از معني‌دار بودن متغيرهای ورودی از جمله متغيرهای كنترلی و مستقل، در سطح اطمينان ۹۵ درصد مي‌باشد و نشان از برازش مناسب مدل دارد.

فرضیه اول : بین جنسیت مدیرعامل و عملکرد مالی بانک رابطه معناداری وجود دارد.

طبق جدول در مدل اول مقدار ضریب تأثیر متغیر مستقل جنسیت مدیرعامل بر متغیر وابسته عملکرد مالی بانک برابر ۰/۰۱۱۷۱۸ محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز ۳۲/۳٤٤۷۲ به‌دست‌آمده است که قدر مطلق آن بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹٦ بوده که نشان می‌دهد ضریب مشاهده‌شده معنی‌دار است. مقدار معناداری نیز برابر ۰/۰۰۰۰ محاسبه شده است که از سطح خطای ۰/۰۵ کوچکتر بوده و نشان از معناداری است. بنابراین می‌توان گفت با احتمال ۹۵ درصد بین جنسیت مدیرعامل و عملکرد مالی بانک رابطه معناداری وجود دارد. برای جنسیت مدیرعامل، ضریب مثبت ۰/۰۱۱۷۱۸ نشان‌دهنده‌ی رابطه مثبت بین جنسیت مدیرعامل (مرد) و عملکرد مالی بانک‌ها است. این می‌تواند بیانگر این باشد که مدیران مرد در مواقعی به دلیل تجربه بیشتر در صنعت یا داشتن شبکه‌های ارتباطی قوی‌تر، به بهبود عملکرد مالی بانک کمک می‌کنند.

فرضیه دوم : بین سطح تحصیلات مدیرعامل و عملکرد مالی بانک رابطه معناداری وجود دارد.

طبق جدول در مدل اول مقدار ضریب تأثیر متغیر مستقل سطح تحصیلات مدیرعامل بر متغیر وابسته عملکرد مالی بانک برابر ۰/۰٤۰۹۹۸ محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز ۵/۷۳٦۵۲۳ به‌دست‌آمده است که قدر مطلق آن بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹٦ بوده که نشان می‌دهد ضریب مشاهده‌شده معنی‌دار است. مقدار معناداری نیز برابر ۰/۰۰۰۰ محاسبه شده است که از سطح خطای ۰/۰۵ کوچکتر بوده و نشان از معناداری است. بنابراین می‌توان گفت با احتمال ۹۵ درصد بین سطح تحصیلات مدیرعامل و عملکرد مالی بانک رابطه معناداری وجود دارد. سطح تحصیلات مدیرعامل اثر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی داشته است (ضریب ۰/۰٤۰۹۹۸). این نتیجه نشان‌دهنده‌ی اهمیت آموزش‌های عالی در بهبود تصمیم‌گیری‌های استراتژیک مدیران و ارتقای کارایی بانک است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

فرضیه سوم: بین افزایش دوره تصدی مدیرعامل و عملکرد مالی بانک رابطه معناداری وجود دارد.

طبق جدول در مدل اول مقدار معناداری برابر ۰/۵۵۳۸ محاسبه شده است که از سطح خطای ۰/۰۵ بزرگ‌تر بوده و نشان از معناداری است. بنابراین می‌توان گفت با احتمال ۹۵ درصد بین افزایش دوره تصدی مدیرعامل و عملکرد مالی بانک رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه چهارم: بین مالکیت مدیرعامل و عملکرد مالی بانک رابطه معناداری وجود دارد.

طبق جدول در مدل اول مقدار معناداری برابر ۰/٤٦۹۳ محاسبه شده است که از سطح خطای ۰/۰۵ بزرگ‌تر بوده و نشان از معناداری است. بنابراین می‌توان گفت با احتمال ۹۵ درصد بین مالکیت مدیرعامل و عملکرد مالی بانک رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه پنجم: بین تجربه مدیرعامل و عملکرد مالی بانک رابطه معناداری وجود دارد.

طبق جدول در مدل اول مقدار ضریب تأثیر متغیر مستقل سطح تجربه مدیرعامل بر متغیر وابسته عملکرد مالی بانک برابر ۰/۰۳٤۰٤٤ محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز ۲/۹۱۲۷۱۳ به‌دست‌آمده است که قدر مطلق آن بزرگ‌تر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹٦ بوده که نشان می‌دهد ضریب مشاهده‌شده معنی‌دار است. مقدار معناداری نیز برابر ۰/۰۰۳۷ محاسبه شده است که از سطح خطای ۰/۰۵ کوچک‌تر بوده و نشان از معناداری است. بنابراین می‌توان گفت با احتمال ۹۵ درصد بین سطح تحصیلات مدیرعامل و عملکرد مالی بانک رابطه معناداری وجود دارد. تجربه مدیرعامل، با ضریب ۰/۰۳٤۰٤٤، نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی بانک است. این یافته می‌تواند نشان دهد که مدیران با تجربه بیشتر به‌طور مؤثرتری می‌توانند با چالش‌های اقتصادی مواجه شوند و استراتژی‌های موفق‌تری برای افزایش بهره‌وری و کاهش ریسک‌ها در نظر بگیرند.

در مدل اول، اثرات ویژگی‌های مختلف مدیرعامل بر عملکرد مالی بانک‌ها بررسی شد. از جمله این ویژگی‌ها، جنسیت مدیرعامل، سطح تحصیلات مدیرعامل و تجربه مدیرعامل به‌طور معناداری بر عملکرد مالی تأثیرگذار بودند، در حالی که مالکیت مدیرعامل و دوره تصدی مدیرعامل اثر معناداری نداشتند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

۷-٦- آزمون مدل دوم پژوهش

جدول ٦- تخمین مدل دوم پژوهش

متغیر	مدل۲		
	ضریب	آماره تی	معناداری
جنسیت مدیرعامل (CEO GENDER)	۰/۰۱۲۵۱٤	۲۳/۷٤٦۰۹	۰/۰۰۰۰
تحصیلات مدیرعامل (CEO EDUCATION)	۰/۰۹۳۳۷۰	۸/۳٤۷۱٤۸	۰/۰۰۰۰
دوره تصدی مدیرعامل (TENURE)	۰/۰۱۵۰۹٤	۰/۳۵۲۹۵۰	۰/۷۲٤۲
مالکیت مدیرعامل (CEO OWNERSHIP)	۰/۰۰۰٤٤۲	۰/٦۷۳۸۳۸	۰/۵۰۰٦
تجربه مدیرعامل (CEO EXPERIENCE)	۰/۰٤۹٦۸٦	۲/۹۱۹۹۰۰	۰/۰۰۳٦
کمیته حسابرسی (ACC)	۰/٦۷۲۹	۱٤/۳٦۱۰۵	۰/۰۰۰۰
CEO GENDER*ACC	۰/۱٤٤٦۸۲	۵/۰۸۱۳۸٤	۰/۰۰۰۰
CEO EDUCATION*ACC	۰/۷۲٤۲	۳/۵۳۰۳۰۳	۰/۰۰۲۰٤
ACC*TENURE	۰/۱٤۲۱۷۵	۳/۱٦٤۰۳۷	۰/۰٤۸
CEO OWNERSHIP*ACC	۰/۵۰۰٦۵	٤/۰۱۲٤۸۲	۰/۰٤٤۵
CEO EXPERIENCE*ACC	۰/۰۰۰۰	٦/۱۹۹۰۸۱	۰/۰۰۰۰
اندازه بانک (SIZE)	۰/۱۰۰۷۳۱	٤/٦٦٦۰٦۲	۰/۰۰۰۰
عمر بانک (AGE)	۰/۰۰٦۹۸۲	۱/۵٤۸٦۱۲	۰/۱۲۱۹
اهرم بانکی (LEV)	۰/۰۰٦۷۲۳	۱/۲۳۱۲۰۰	۰/۲۱۸٦
C	-۰/۰۳۵۷۲۹	-۱/۵۳۰۹۰۲	۰/۱۲٦۲
برازش کلی مدل	R^2 =۰/٤٦٤۵۱٤ F= ٦۲/۹۳۰۵٦ prob(F) = ۰/۰۰۰ D.W= ۱/۷۳٦۹٦٦		

منبع یافته‌های پژوهش

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

فرضیه ششم: کمیته حسابرسی بر رابطه بین ویژگی‌های مدیرعامل و عملکرد مالی بانک تأثیرگذار است.

طبق جدول در مدل دوم مقدار ضریب تأثیر متغیر مستقل همه کمیته حسابرسی و ویژگی‌های مدیرعامل بر متغیر وابسته عملکرد مالی بانک محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز به‌دست‌آمده است که قدر مطلق آن بزرگ‌تر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده که نشان می‌دهد ضریب مشاهده‌شده معنی‌دار است. مقدار معناداری نیز محاسبه شده است که از سطح خطای ۰/۰۵ کوچک‌تر بوده و نشان از معناداری است. بنابراین می‌توان گفت با احتمال ۹۵ درصد کمیته حسابرسی بر رابطه‌ی بین ویژگی‌های مدیرعامل و عملکرد مالی بانک تأثیرگذار است.

اثرات جنسیت مدیرعامل و تحصیلات مدیرعامل وقتی با کمیته حسابرسی تعامل دارند، تأثیر بیشتری در عملکرد مالی دارند. ضریب تعامل جنسیت مدیرعامل و کمیته حسابرسی به مقدار ۰/۱٤٤۷ نشان‌دهنده تقویت اثر جنسیت مدیرعامل بر عملکرد مالی در شرایطی است که کمیته حسابرسی نقش فعال‌تری دارد.

همچنین کمیته حسابرسی خود دارای ضریب مثبت ٦۷۲۹ /۰ است که نشان‌دهنده این است که کمیته‌های حسابرسی با تخصص و استقلال بالا، قادر به بهبود عملکرد مالی بانک‌ها می‌باشند.

این یافته‌ها اهمیت کمیته‌های حسابرسی را در کاهش ریسک‌های مالی و بهبود تصمیم‌گیری‌های استراتژیک نشان می‌دهند. وجود کمیته حسابرسی قوی به مدیران این امکان را می‌دهد که تصمیمات بهتری در رابطه با سرمایه‌گذاری، کاهش هزینه‌ها و مدیریت ریسک‌ها اتخاذ کنند.

اثر جنسیت و تحصیلات مدیرعامل: این موارد می‌توانند نشان‌دهنده تغییرات در نحوه‌ی تصمیم‌گیری مدیران و رویکردهای مختلف آن‌ها نسبت به مسائل مالی باشند. این می‌تواند به سیاست‌گذاران بانک‌ها کمک کند تا در فرآیند انتخاب مدیران، ویژگی‌های خاصی مانند تحصیلات و جنسیت را مدنظر قرار دهند.

نبود اثر در برخی متغیرها: نتایج نشان می‌دهند که برخی متغیرها، مانند دوره تصدی یا مالکیت مدیرعامل، نتایج معناداری نداشته‌اند. این می‌تواند ناشی از پویایی‌های خاص در بازار بانکی و شرایط اقتصادی باشد که در آن مدت زمان تصدی یا میزان مالکیت تأثیر زیادی بر عملکرد مالی ندارند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

حضور مدیران زن در کمیته حسابرسی می‌تواند به تقویت شفافیت و کارایی کمیته کمک کند و بر کاهش ریسک‌های مالی تأثیرگذار باشد.

یافته‌ها نشان می‌دهند که مدیران عامل با سطوح تحصیلات بالاتر برای تصمیم‌گیری‌های مؤثر سرمایه‌گذاری و مالی سودمندتر هستند. سوابق علمی آن‌ها همچنین به آن‌ها کمک می‌کند تا مسائل مالی را درک کنند و راهکارهای سریع را قبل از وخامت اوضاع ایجاد کنند (کاور و سینگ، ۲۰۱۹؛ خاو و همکاران، ۲۰۲۳). سعیدو (۲۰۱۹) ارتباط مطلوبی بین تحصیلات مدیرعامل و کیو توبین[1] نشان داد. نتایج این تحلیل همچنین ثابت می‌کند که مدیران زن نسبت به مردان توانایی بیشتری در شناخت روند بازار و سلایق مشتریان دارند که باعث می‌شود بتوانند از فرصت‌های شرکت‌ها بهتر استفاده کنند و برای شرکت‌هایی که توسط آن‌ها مدیریت می‌شوند مزیت رقابتی ایجاد کنند (سوهرمن و همکاران، ۲۰۲۳؛ گانسان و همکاران، ۲۰۲٤).

این مطالعه همچنین نشان داد که مدیران عامل با تجربه بیشتر، بهتر می‌توانند از خطراتی که ممکن است منافع سهامداران را به خطر بیندازند، دوری کنند. مدیران ماهر برای تصمیم‌گیری‌هایی که عملکرد مالی بانک را بهبود می‌بخشد، سودمندتر هستند، زیرا می‌توانند اطلاعات موردنظر خود را ساده‌تر و مقرون به‌صرفه‌تر به دست آورند. این نتیجه مطابق با پژوهش‌هایی است که نشان می‌دهد تجربه یک مدیرعامل تأثیر مفیدی بر موفقیت مالی دارد (ان، گوپتا و ماهاکود، ۲۰۲۰؛ صالح و همکاران، ۲۰۲۰).

علاوه بر این، ویژگی‌های کمیته حسابرسی یک اثر متقابل مثبت را بر ارتباط بین ویژگی‌های مدیرعامل و عملکرد مالی بانک که توسط کیو توبین ارزیابی شده، نشان داد. همه عوامل مرتبط با ویژگی‌های مدیرعامل، به دلیل تأثیر متقابل ویژگی‌های کمیته حسابرسی، تأثیر مطلوبی بر نسبت کیو توبین برای بانک‌ها داشتند. این یافته‌ها اهمیت کمیته حسابرسی، در انجام مسئولیت‌ها و وظایف محول شده به آن و همچنین کمک به هیئت‌مدیره در نظارت بر رفتارهای فرصت‌طلبانه و ارائه پیشنهادات لازم برای اطمینان از اثربخشی کنترل‌های داخلی و کاهش خطرات احتمالی در نتیجه مشکلات نمایندگی را نشان می‌دهد.

۷- بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌دهد که جنسیت مدیرعامل بر عملکرد مالی بانک که توسط بازده دارایی اندازه‌گیری می‌شود، تأثیر مثبت دارد. در این زمینه، مطالعات قبلی نشان داده‌اند که مدیران

[1] Tobin's Q

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

عامل زن محتاطتر هستند و از خطرات دوری می‌کنند. آن‌ها همچنین برای تقویت نوآوری و خلاقیت و ارائه ایده‌ها و دیدگاه‌های جدیدتر در مقایسه با مدیران عامل مرد بهتر کار می‌کنند که منجر به ملاحظات تصمیم‌گیری بهتر و بهبود عملکرد می‌شود.

نتایج این پژوهش با یافته‌های مطالعه بنوری و همکاران، ۲۰۱۸؛ سوهرمن و همکاران، ۲۰۲۳، ناصم و همکاران (۲۰۲۰) مطابقت دارد و همسو است و دریافتند که، مدیران عامل زن بر عملکرد مالی بانک تأثیر مثبت دارند. از سوی دیگر، مالکیت مدیرعامل نیز بر بازده دارایی تأثیر مثبت گذاشت، و مالکیت مدیرعامل بر عملکرد مالی بانک تأثیر مثبتی دارد.

نتیجه این مطالعه از استدلال نظریه نمایندگی پشتیبانی می‌کند که بیان می‌کند مالکیت مدیرعامل یکی از راه‌حل‌های ممکن برای کاهش مشکلات نمایندگی ناشی از جداسازی مالکیت از کنترل است. تئوری نمایندگی فرض می‌کند که وقتی شرکت توسط یک مدیر اجرایی با مالکیت جزئی سرمایه اداره می‌شود، او تمایل زیادی به کار برای دستیابی به اهداف شرکت خواهد داشت. برخی از مطالعات استدلال می‌کنند که اگر مدیران اجرایی در مالکیت شرکت سهمی داشته باشند، بر اساس درصد مالکیت خود، بخشی از سود و زیان شرکت را به اشتراک می‌گذارند و بنابراین انگیزه زیادی برای مدیریت بهتر شرکت و سرمایه‌گذاری در فرصت‌های سودآور خواهند داشت (الدگیس و همکاران، ۲۰۲۳. سادا، گانسان، یت، و همکاران، ۲۰۲۳).

یافته‌های این مطالعه بیان می‌کند تجربه مدیرعامل تأثیر مفیدی بر عملکرد مالی بانک دارد. بنابراین، فرضیه ما پذیرفته می‌شود. این یافته‌ها با توصیه‌های نظریه وابستگی به منابع، که بیان می‌کند که تجربه یک منبع حیاتی و ارزشمند برای یک کسب‌وکار است، مطابقت دارد. با توجه به بوعزیز و همکاران (۲۰۲۰) و بعثوه و همکاران (۲۰۱۵)، مدیران عامل با تجربه محتاطتر هستند و تخمین‌های دقیق‌تری از سود را برای سازمان خود انجام می‌دهند. در نتیجه، تخصص مدیر اجرایی ممکن است به‌عنوان راهی برای کمک به آن‌ها در تصمیم‌گیری و توسعه یک رویکرد تاکتیکی برای دستیابی به اهداف باشد.

سعیدو (۲۰۱۹) معتقد است که سوابق تحصیلی مدیر اجرایی به آن‌ها کمک می‌کند تا مشکلات مالی را درک کنند و بر اساس آن برای اطمینان از عملکرد مالی بانک به‌طور بهینه عمل کنند. تأثیر ضعیف تحصیلات مدیرعامل بر بازده دارایی می‌تواند به این دلیل باشد که تحصیلات آن‌ها به تخصص‌های مرتبط با کار بانک مانند حسابداری، مالی، مدیریت، بازرگانی، مالی و غیره مرتبط نیست.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد که تأثیر جنسیت، مالکیت و تجربه مدیرعامل بر عملکرد مالی بانک مثبت و معنادار است. این در حالی است که تحصیلات و دوره تصدی مدیرعامل تأثیری بر عملکرد مالی بانک نداشته است. علاوه بر این، کمیته حسابرسی بر رابطه‌ی بین تمامی ویژگی‌های مدیرعامل با عملکرد مالی بانک تأثیر متقابل مثبتی داشت.

این نتیجه نشان می‌دهد که ویژگی‌های مدیرعامل و کمیته حسابرسی به مطالعات آینده بیشتری نیاز دارد، زیرا خروجی‌های آن‌ها ممکن است تأثیر مثبت معناداری بر عملکرد مالی بانک و در نتیجه محیط کسب‌وکار در سراسر جهان داشته باشد. همچنین می‌توان پژوهش‌های بیشتری در مورد تأثیر ویژگی‌های مدیرعامل بر سایر فعالیت‌های بانک‌ها، مانند تأمین مالی، بازاریابی، نوآوری، توسعه، استفاده از فناوری‌های مدرن و سایر فعالیت‌هایی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از عملکرد مالی بانک پشتیبانی می‌کنند، انجام داد.

۸- پیشنهادات پژوهش

با توجه به نتایج فرضیات پژوهش بیان شد، کمیته حسابرسی یکی از راه‌های اولیه برای اطمینان از اینکه مدیرعامل برای دستیابی به اهداف شرکت تلاش می‌کند و تمام تلاش خود را برای محافظت از ذینفعان و افزایش عملکرد مالی بانک انجام می‌دهد. علاوه بر این، کمیته حسابرسی بر رابطه‌ی تمامی ویژگی‌های مدیرعامل از جمله دوره تصدی مدیرعاملی، بر عملکرد مالی بانک تأثیر مثبتی داشته است.

پیشنهاد می‌شود انتصاب مدیران عامل در بانک به دلیل اهمیت آن در عملکرد روزانه بانک و برنامه‌های راهبردی دنبال شده باید بر اساس سطح تحصیلات باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه مدیران زن به‌راحتی می‌توانند برنامه‌هایی را که به بازیابی و بهبود سرمایه مالی و انسانی کمک می‌کند، گسترش داده و اجرا کنند و از حضور مدیران زن بیشتر استفاده شود.

در واقع، دانشگاهیان و سیاستگذاران توجه بانک را به نیاز بانک به مدیر اجرایی با ویژگی‌های خاص که بتواند فعالیت‌ها را به‌گونه‌ای مدیریت کند که عملکرد مالی مثبت را حفظ و افزایش دهد، جلب کرده‌اند. در این راستا، عملکرد مالی خوب نه‌تنها برای سهامداران و قانون‌گذاران از اهمیت بالایی برخوردار است، بلکه عملکرد مالی خوب نشان‌دهنده کارایی و اثربخشی مدیرعامل در مدیریت فعالیت‌های بانک است که در نهایت بر شهرت مدیر اجرایی و پاداش‌هایی که دریافت می‌کند تأثیر می‌گذارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

۹- پیشنهادهای کاربردی

پیشنهاد می‌شود در پژوهشات آتی، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و از طریق ابزار مصاحبه نیز اجرا گردد.

پیشنهاد می‌گردد در پژوهشی به بررسی نقش کیفیت گزارشگری مالی بر عملکرد مالی بانک‌ها پرداخته شود.

پیشنهاد می‌گردد در پژوهشی به تأثیر تحولات اقتصادی با تمرکز بر اقتصاد مقاومتی و تحریم‌ها بر پیش‌بینی کشف عملکرد مالی بانک‌ها پرداخته شود.

به بانک‌ها توصیه می‌شود که توجه بیشتری به کمیته‌های حسابرسی داشته باشند و اعضای این کمیته‌ها را با ویژگی‌های مدیریتی مناسب انتخاب کنند تا از اثرات مثبت آن بر عملکرد مالی بهره‌برداری کنند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

منابع

۱. برزگر، قدرت الله، حسن نتاج کردی، محسن، عباسی، علی (۱۴۰۲). تأثیر ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۹ (۳۳).*

۲. حبیبی، م (۱۴۰۰). نظام نظارت در اقتصاد اسلامی با تأکید بر مکانیزم‌های کنترلی سازمانی. *فصلنامه اقتصاد اسلامی و توسعه*، ۸(۱)، ۳۱-۵۰.

۳. منصوری نیا الهام، الهام، و یدالهی، نگار (۱۴۰۳). نقش کیفیت کمیته حسابرسی بر عملکرد مالی بانک های دولتی و خصوصی *پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار*، ۵(۶۷)، ۱۰۷- ۱۲۵.

۴. موسوی، س.، حسینی، ف.، و کریمی، م (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی معیارهای انتخاب مدیران از منظر اسلام و مدیریت نوین. *پژوهش‌های اسلامی در مدیریت*، ۱۵(۲)، ۵۵-۷۲.

۵. نقوی، س. م (۱۳۹۸). اصول عدالت سازمانی در اسلام و کاربرد آن در مدیریت مالی. *مطالعات راهبردی مدیریت اسلامی*، ۶(۳)، ۷۵-۹۰.

6. Al-ahdal, W.M., Hashim, H.A. (2022). Impact of audit committee characteristics and external audit quality on firm performance: *evidence from India.* Corp. Gov, 22(2), 424–445. *https://doi.org/10.1108/CG-09-2020-0420.*

7. Baatwah, S.R., Salleh, Z., Ahmad, N. (2015). CEO characteristics and audit report timeliness: do CEO tenure and financial expertise matter? *Manag. Audit. J,* 30(8–9), 998–1022. https://doi.org/10.1108/MAJ-09-2014-1097.

8. CHHAOCHHARIA, V., GRINSTEIN, Y. (2009). CEO compensation and board structure. *J. Financ*, 67(3), 1149–1168. https://doi.org/10.1111/j.1540-6261.2012.01744.

9. Fleck, N., Michel, G., Zeitoun, V. (2020). Brand personification through the use of spokespeople: an exploratory study of ordinary employees, CEOs, and celebrities featured in advertising. *Psychol. Mark*, 31(1), 84–92.

10. Ganesan, Y., Sadaa, A.M., Kareem, A.A., Aldegis, A.M., Al-Sakkaf, M.A. (2022). Social Responsibility in Marketing. In Artificial Neural Networks and Structural Equation Modeling. Springer pp, 293–311. https://doi.org/10.4324/9780080511085-54.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

11. Gupta, N., Mahakud, J. (2020). CEO characteristics and bank performance: evidence from India. *Manag. Audit. J,* 35(8), 1057–1093. https://doi.org/10.1108/MAJ-03-2019- 2224.
12. Gupta, S., Ghardallou, W., Pandey, D.K., Sahu, G.P. (2022). Artificial intelligence adoption in the insurance industry: evidence using the technology–organization–environment framework. Res. Int. *Bus. Financ,* 63(August). https://doi.org/10.1016/j.ribaf.2022.101757.
13. Ha, H.H. (2022). Audit committee characteristics and corporate governance disclosure: evidence from Vietnam listed companies Audit committee characteristics and corporate governance disclosure: evidence from Vietnam listed companies. *Cogent Bus. Manag,* 9(1). https://doi.org/10.1080/23311975.2022.2119827.
14. Kalita, N., Tiwari, R.K. (2023). Audit committee characteristics, external audit quality, board diversity and firm performance: evidence from SAARC nation. *J. Econ. Adm.* Sci, 1026–4116. https://doi.org/10.1108/JEAS-08-2023-0235.
15. Kallamu, B.S., Saat, N.A.M. (2015). Audit committee attributes and firm performance: evidence from Malaysian finance companies. Asian Rev. Account, 23(3), 206–231. https://doi.org/10.1108/ARA-11-2013-0076.
16. Kaur, R., Singh, B. (2019). Do CEO characteristics explain firm performance in India? *J. Strategy Manag,* 12 (3), 409–426. https://doi.org/10.1108/JSMA-02-2019-0027.
17. Khaw, K.W., Sadaa, A.M., Alnoor, A., Zaidan, A.S., Ganesan, Y., Chew, X.Y. (2023). Spurring sustainability commitment strategy of family-owned SMEs: a multianalytical SEM & ANFIS perspective. *J. High. Technol. Manag.* Res, 34(1), 100453. https://doi.org/10.1016/j.hitech.2023.100453.
18. Koller, M. (2019). Robustlmm: an R package for Robust estimation of linear mixed-effects models. *J. Stat. Softw,* 75(1). https://doi.org/10.18637/jss.v075.i06.
19. Liu, C., Jiang, H. (2020). Impact of CEO characteristics on firm performance: evidence from China listed firms. Appl. *Econ. Lett,* 27(14), 1–5. https://doi.org/10.1080/ 13504851.2019.1607965.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

20. Miller, R.L., Lewis, W.F. (1991). A stakeholder approach to marketing management using the value exchange models. Eur. *J. Mark*, 25(8), 55–68.
21. Naseem, M.A., Lin, J., Rehman, R. ur, Ahmad, M.I., Ali, R. (2020). Does capital structure mediate the link between CEO characteristics and firm performance? *Manag. Decis,* 58(1), 164–181. https://doi.org/10.1108/MD-05-2018-0594.
22. Nasir, A.N.B.M., Ali, D.F., Noordin, M.K. Bin, & Nordin, M.S. Bin (2011). Technical skills and non-technical skills: predefinition concept Mohd Safarin Bin NORDIN. Proceedings of the IETEC'11 Conference, Kuala Lumpur, Malaysia, 1–17.
23. Nour, A., Alia, M.A., Balout, M. (2022). The impact of corporate social responsibility disclosure on the financial performance of banks listed on the PEX and the ASE. Artif. *Intell. Sustain. Financ. Sustain. Technol. Proc. ICGER*, 202(11), 42–54.
24. Nour, A.I., Sharabati, A.-A.A., Hammad, K.M. (2020). Corporate governance and corporate social responsibility disclosure. Int. J. Sustain. Entrep. Corp. Soc. *Responsib. IJSECSR,* 5(1), 20–41.
25. Sadaa, A.M., Ganesan, Y., Ahmed, M.G. (2023). The effect of earnings quality and bank continuity: the moderating role of ownership structure and CSR. *J. Sustain. Financ. Invest,* 13(1), 366–386.
26. Sadaa, A.M., Ganesan, Y., Yet, C.E. (2022). The effect of ownership structure on the nonperforming loans in Iraqi banks. GATR *J. Financ. Bank.* Rev, 7(1), 86–97.
27. Sadaa, A.M., Ganesan, Y., Yet, C.E., Alkhazaleh, Q., Alnoor, A., aldegis, A.M. (2023). Corporate governance as antecedents and financial distress as a consequence of credit risk. Evidence from Iraqi banks. *J. Open Innov. Technol. Mark. Complex,* 9(2). https://doi.org/10.1016/j.joitmc.2023.100051.
28. Saidu, S. (2019). CEO characteristics and firm performance: focus on origin, education and ownership. *J. Glob. Entrep. Res*, 9(1). https://doi.org/10.1186/s40497-019- 0153-7.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]

29. Suherman, S., Mahfirah, T.F., Usman, B., Kurniawati, H., Kurnianti, D. (2023). CEO characteristics and firm performance: evidence from a Southeast Asian country. Corp. Gov, 23(7), 1526–1563. https://doi.org/10.1108/CG-05-2022-0205.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-07]